

# زیست شیعی

مناسکی شدن مسلمانان در ایران امروز

دیوید تورفیل

مترجم: سیدشهاب‌الدین عودی

ویراستار علمی: الله‌کرم کرمی‌پور



نشر آرسا

۱۳۹۹

سرشناسه	تورفیل، داوید، Thurfjell, David
عنوان و نام پدیدآور	زیست شیعی: مناسکی شدن مسلمانان در ایران امروز/ دیوید تورفیل؛ مترجم سیدشهاب الدین عودی؛ ویراستار علمی الهکرم کریمی پور؛
مشخصات نشر	اصفهان، آرما، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۳۹۲ ص: ۱۲/ ۲۱×۵/ ۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۵۹-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: Living Shi-ism : instances of ritualisation among Islamist men in contemporary Iran - ۲۰۰۶.
یادداشت	کتابنامه.
عنوان دیگر	مناسکی شدن مسلمانان در ایران امروز.
موضوع	زندگی مذهبی (شیعه)
موضوع	Religious life -- Shi'ah
موضوع	شیعیان -- شعایر و مراسم مذهبی
موضوع	Shiites -- Rites and ceremonies
موضوع	عبادات شیعه
موضوع	Shi'ah -- Customs and practices
موضوع	بارگشت به دین
موضوع	Religious awakening
موضوع	ایران -- زندگی و آداب و رسوم دینی
موضوع	Iran -- Religious life and customs
شناسه افزوده	عودی، سیدشهاب الدین، ۱۳۶۶ - مترجم
شناسه افزوده	کریمی پور، الهکرم، ۱۳۴۹ -، ویراستار
رده بندی کنگره	۹۱۳۹۷ ت/ ۲/ BP۲۲۶
رده بندی دیویی	۲۹۷/ ۴۶۶
شماره کتابشناسی ملی	۵۵۳۶۸۲۶



نشر آرما

## زیست شیعی

مناسکی شدن مسلمانان در ایران امروز

دیوید تورفیل

مترجم: سیدشهاب الدین عودی

ویراستار علمی: الهکرم کریمی پور

طراحی و صفحه‌آرایی: گروه فرهنگی هنری مسک

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۵۹-۲

شمارگان: ۳۰۰ نسخه / نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۹ / قیمت ۴۰۰۰۰ تومان

کلیه‌ی حقوق محفوظ و مخصوص نشر آرما است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن (به هر صورت از قبیل کاغذی، الکترونیکی و صوتی)

بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.



۹۱-

## کتاب‌های سرو

(مطالعات فرهنگ شیعی)

دبیر مجموعه: محسن حسام مظاهری

۱۵

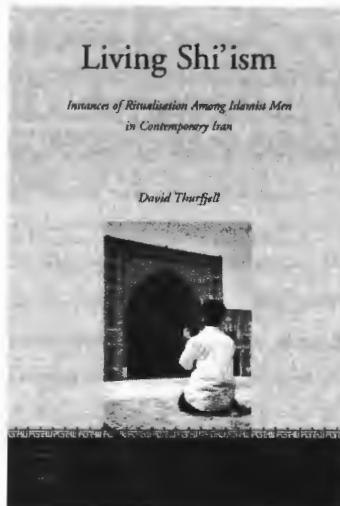
«کتاب‌های سرو» مجموعه‌ای از پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی در موضوع تشیع و شیعیان است. در این مجموعه، به تشیع به مثابه‌ی «دین زیسته» و از منظر دانش‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، ارتباطات و رسانه و مطالعات فرهنگی) پرداخته شده و مقولات و مسایل انضمامی مرتبط با این مذهب و وضعیت پیروانش در دنیای امروز مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. به تبع تنوع این مقولات و مسایل، گستره‌ی موضوعی کتاب‌ها نیز وسیع است و مواردی چون مناسک و آیین‌های شیعی (عزاداری، زیارت، نذر، اعتکاف و غیره)، سازمان رسمی شیعه (حوزه و روحانیت)، گفتمان‌های شیعی، زیست روزمره، فرهنگ مادی و معنوی شیعیان و موارد مشابه دیگر را شامل می‌شود.

این اثر ترجمه‌ای است از:

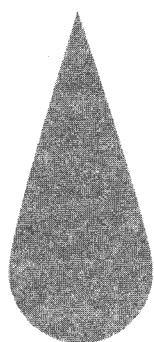
Living Shi'ism: Instances of Ritualisation Among Islamist Men in  
Contemporary Iran.

David Thurffjell  
Brill Academic Pub

2006



تقدیم به مادر فداکارم و روح پاک پدر بزرگووارم  
با قدردانی از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر علی شهبازی



# فهرست

قدردانی و تشکر/ ۱۱

مقدمه مترجم/ ۱۵

مقدمه نویسنده برای ترجمه فارسی/ ۲۹

مقدمه ویراستار علمی/ ۳۳

فصل اول: مراحل حرکت/ ۴۱

۱. آغاز/ ۴۶

۲. منابع اطلاعاتی (اطلاع رسان ها)/ ۴۶

۳. موقعیت من در اجتماع مورد مطالعه/ ۵۲

۴. اهداف پژوهش/ ۵۹

۵. تاریخچه مطالعات دین و فرهنگ ایران/ ۶۲

فصل دوم: آماده سازی صحنه/ ۶۹

۱. صحنه کلان/ ۷۱

۲. صحنه خرد/ ۷۱

۳. عناصر/ ۸۶

فصل سوم: بدنمندی تقوا/ ۹۱

۱. بدن و بدنمندی؛ پیشینه نظری/ ۹۵

۲. تئوریزه کردن اسلام در زندگی روزمره/ ۱۰۲

۳. اسلام زیسته شده در زندگی روزمره/ ۱۲۸

۴. نتیجه گیری/ ۱۴۵

## فصل چهارم: اشعار عاطفی / ۱۵۱

۱. عاطفه و مناسک: برخی نکات نظری / ۱۵۵

۲. بهجت حزن / ۱۶۸

۳. عمل مناسکی شده / ۱۷۷

۴. مورد امیر / ۱۸۶

۵. نتیجه‌گیری / ۱۹۳

## فصل پنجم: ابزارهای حجیت بخشی / ۱۹۷

۱. حجیت بخشی / ۲۰۳

۲. ابزارهای حجیت بخشی در مناسک مسجد / ۲۱۲

## فصل ششم: افول مرجعیت / ۲۲۹

۱. ستایش مرجعیت؛ مورد مستعار / ۲۳۳

۲. نکوهش روحانیون؛ مورد جیمی / ۲۴۷

۳. بحث / ۲۴۹

## فصل هفتم: سخنرانی‌ها و مرثیه‌خوانی‌ها / ۲۵۵

۱. سخنرانی‌ها / ۲۶۱

۲. مرثیه‌خوانی‌ها / ۲۸۳

## فصل هشتم: خلاقیت مناسک / ۲۹۳

۱. خلاصه / ۲۹۵

۲. تأملات روش‌شناختی در بازنگری / ۳۰۰

۳. مناسکی شدن و معنا / ۳۱۰

۴. اهداف و معانی مناسکی شدن؛ نتایج / ۳۲۹

۵. زندگی جاری است... / ۳۳۵

فهرست منابع / ۳۳۹

یادداشت‌ها / ۳۶۳



# قدردانی و تشکر

در ابتدای کتاب، مایلم قدردانی صمیمانه خود را به پنج نفری ابراز کنم که در این کتاب به آنان با نام‌های، علی بختیاری، امیر، جیمی، محمدمهدی و مستعار اشاره شده است. این تشکر برای سخاوت و محبت بیش‌ازپیش آنان است که باعث شد بتوانم این کتاب را تمام کنم. من واقعاً به آن پنج نفر مدیون هستم.

این کتاب در اصل رسالهٔ دکترایم در رشتهٔ تاریخ ادیان در دانشگاه اوپسالا بود. استاد راهنمایم، دیوید وسترلاند<sup>۱</sup>، در کل زمانی که روی این کتاب کار می‌کردم، سرمایه‌ای گران‌بها برایم بود و البته هنوز هم سرمایه‌ای ارزشمند برای من است. او بود که در نخستین قدم، به من ایدهٔ تحصیل در مقطع تحصیلات تکمیلی را داد و طی سال‌ها، کار مرا با تشویق بسیار و علاقه‌ای وافر دنبال کرد. من بسیار قدردان حمایت‌های او هستم. در دسترس بودن وی و نگاه موشکافانهٔ بی‌نظیر وی به طرح‌هایم، کمک بزرگی برایم بود. همچنین بسیار به استاد مشاور خویش، گادمر آنیر<sup>۲</sup>، مدیون هستم که فهم عمیق وی از دین و فرهنگ ایران، فایده‌های بسیاری برایم داشت.

از همکارانم در دپارتمان تاریخ ادیان دانشگاه اوپسالا، که مرا در این مسیر راهنمایی

- 
1. Uppsala University.
  2. David Westerlund.
  3. Gudmar Aneer.

و تشویق کردند، تشکر می‌کنم. به‌ویژه، مایلم از جنی برگلاند<sup>۱</sup>، جان برگمان<sup>۲</sup>، رانویگ هاگا<sup>۳</sup>، کریستر همدین<sup>۴</sup>، اوا هلمان<sup>۵</sup>، پیتر جکسون<sup>۶</sup>، پیا کارلسون<sup>۷</sup>، ماریا لیلجاس<sup>۸</sup>، اولریکا مارتنسون<sup>۹</sup>، لوبن نینجا موجینیا<sup>۱۰</sup>، سوسانه اولسون<sup>۱۱</sup> و لنا روس<sup>۱۲</sup> قدردانی کنم. همچنین مایلم که قدردانی خود را به اعضای ارشد سمینار مطالعات ایران زیر نظر بو اوتاس<sup>۱۳</sup> و اعضای ارشد سمینار جامعه‌شناسی دین زیر نظر آلف لیندرمن<sup>۱۴</sup> و تورلیف پترسون<sup>۱۵</sup> ابراز کنم. از محمد فضل هاشمی<sup>۱۶</sup> و کاترینا رائودور<sup>۱۷</sup> و اوا اورزروسندر<sup>۱۸</sup> که وقت گذاشتند و کتابم را مطالعه کردند و برایم نظر گذاشتند و از یان ریچارد<sup>۱۹</sup> برای آرای ارزشمندش در آخرین مراحل کارم تشکر می‌کنم. دوست دارم از هاگان رایدوینک<sup>۲۰</sup> صمیمانه تشکر کنم، برای اینکه کتاب را کامل خواند و در این خصوص به من

1. Jenny Berglund.
2. Jan Bergman.
3. Rannveig Haga.
4. Christer Hedin.
5. Eva Hellman.
6. Peter Jackson.
7. Pia Karlsson.
8. Maria Liljas.
9. Ulrika Mårtensson.
10. Leuben Njinya -Mujinya.
11. Susanne Olsson.
12. Lena Roos.
13. Bo Utas.
14. Alf Linderman.
15. Thorleif Petterson.
16. Mohammad Fazlhashemi.
17. Catharina Raudvere.
18. Eva EversRosander.
19. Yann Richard.
20. Håkan Rydving.

توصیه‌های ارزشمندی کرد. پیشنهادهای او در تغییرات نهایی‌ام بر این کتاب بسیار تأثیر گذاشت.

نیز از همه کسانی تشکر می‌کنم که مرا در فراگیری زبان فارسی یاری کردند و از کارینا جهانی<sup>۱</sup> و فروغ حاشابیکی<sup>۲</sup> در اوپسالا قدردانی می‌کنم که نخستین معلمانم بودند. همچنین، از ذاکر حسین<sup>۳</sup> تشکر می‌کنم. او دانشنامه‌ای زنده در موضوع تشیع است. در نهایت، می‌خواهم قدردانی عمیق خود را به والدینم، اینگر و بنت تورفیل<sup>۴</sup>، ابراز کنم که در مسیر انتخابی‌ام به من اعتماد به نفس می‌دادند و بی‌درنگ تشویقم می‌کردند. از همسرم، آنا کارین بروس<sup>۵</sup>، برای صبوری و متانتش تشکر می‌کنم. با افتخار می‌گویم که این کتاب را با عشق به او تقدیم می‌کنم.

اوپسالا، ۱۱ مه ۲۰۰۶

دیوید تورفیل

- 
1. Carina Jahani.
  2. Forogh Hashabeiky.
  3. Zakir Hussayn.
  4. Inger and Bengt Thurfjell.
  5. AnnaKarin Brus.



# مقدمه مترجم



زیست شیعی پژوهشی دربارهٔ اسلام شیعی در ایران امروز با محوریت زندگی روزمرهٔ شیعیان است. تمرکز عمدهٔ کتاب بر مضامینی مانند تشیع زیسته، فرایند مناسکی شدن، بدنمندی، نقش‌های جنسیتی، فرایند حجیت بخشی، عواطف، فرایند جامعه‌پذیری و تغییرات اجتماعی زندگی شیعیان در ایران امروز است. این پژوهش نشان می‌دهد که یک ایرانی شیعه در ایران امروز و هم‌زمان با تغییرات چشمگیر کشور پس از انقلاب اسلامی و هم‌گام با مدرن‌شدن در کنار مناسبات خانوادگی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، چگونه برای فائق‌آمدن بر دشواری‌های زندگی خود، اسلام را در زندگی روزمره‌اش تنویر کرده و چطور مذهب تشیع را با پوست و گوشت و استخوان خود، زندگی و تجربه می‌کند.

پژوهشگر، مسجدی در اصفهان را انتخاب می‌کند و پنج نفر از نمازگزاران آن مسجد را برای پژوهش کیفی از نوع مردم‌نگاری، برگزیده و به‌عنوان اطلاع‌رسان یا منابع اطلاعاتی خود قرار می‌دهد؛ هرچند هنگام کار میدانی، با سایر افراد نیز ارتباط برقرار می‌کند و از مصاحبه با آنان نیز در کار خود بهره می‌برد. دیوید تورفیل با مشاهدهٔ مشارکتی تا حد امکان در بیشتر مناسک، جشن‌ها، سوگواری‌ها، سخنرانی‌ها، روضه‌ها و جلسه‌های قرائت قرآن در مسجد مدنظر و سایر مناطق اصفهان، حضوری همدلانه دارد. وی همچنین در طول مدت مطالعه‌اش تحولات فرهنگی و ارزشی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ای که منابع اطلاعاتی (اطلاع‌رسان‌ها یا مطلعین) در آن

زیست می‌کنند و حتی شرایط خانوادگی و روان‌شناختی آنان را بررسی می‌کند تا به درکی مناسب برای توصیف غلیظ آنان دست یابد.

در این کتاب شرح داده شده است که چگونه شیعیان به مناسک دینی خود عمل می‌کنند و همین‌طور چگونه احکام دینی و دستورات اخلاقی معصومین (ع) بر رفتارهای شیعیان تأثیر می‌گذارد و از این طریق، «تشیع عملی و زیسته شده» در ایران امروز معنا می‌یابد. باتوجه به اینکه عمدتاً در جوامع آکادمیک و غیرآکادمیک غربی، به محض نام بردن از اسلام، اهل سنت به ذهن‌خطور می‌کند و یا اسلام صرفاً به عنوان اسلام سیاسی در نظر گرفته می‌شود، نویسنده می‌خواهد به جوامع غربی نشان دهد که اسلام، تشیع را نیز شامل می‌شود و نیز نمی‌توان گفت اسلام فقط یک دین سیاسی است، بلکه اسلام و به‌طور خاص مذهب تشیع، در کشوری به نام ایران به منزلهٔ مذهبی همه‌جانبه در تمام مراحل زندگی افراد حضور دارد، همه‌جا به کمک دین‌داران می‌آید و زیست می‌شود. در اسلام و به‌خصوص تشیع، غنایی وجود دارد که سبب می‌شود اسلام تکیه‌گاه انسان باشد و نیز در موقعیت‌های مختلف برای شیعیان معانی گوناگون داشته باشد. به‌عنوان مثال، همان عبادتی که به یکی از منابع اطلاعاتی، علی‌بختیاری، کمک می‌کند که بر افسردگی خویش غلبه کند، به امیرکمک می‌کند تا بر فعالیت درسی و پژوهشی تمرکز کند و به محمد مهدی چنان نیرویی می‌دهد تا برای آسایش خانواده‌اش تلاش کند.

نویسنده بر آن است که معنای مناسکی شدن را در تجربه‌های زیستهٔ منابع اطلاعاتی‌اش بیابد. او در پایان بیان می‌کند که یافتن یک معنای مشخص برای مناسک و مناسکی شدن امکان‌پذیر نیست. در عوض، وی کوشیده است تا دریابد که از دیدگاه افراد مورد مطالعه‌اش، چگونه ابعاد مختلف زندگی روزمره به صورت مناسکی و بدنمند شده در نظر گرفته می‌شود. در این نگاه، مناسک در موقعیت‌های مختلف و برای افراد مختلف و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، معانی متفاوتی دارد و نمی‌توان برای همهٔ دین‌داران، معنای یکسانی را از عمل به مناسک استنباط کرد. دیوید تورفیل با روایت کردن زندگی منابع اطلاعاتی (اطلاع‌رسان‌ها)، داستان زندگی آنان را با مضامینی



همچون عواطف، بدنمندی، مناسک و مرجعیت پیوند می‌دهد. با این روش، محقق نشان می‌دهد که اسلام در ایران امروز، همان‌گونه که منابع اطلاعاتی آن را تجربه کرده‌اند، از طریق عواطف و بدنمندی و فرایند مناسکی شدن و فرایند حجیت‌بخشی به نظامی همه‌جانبه تبدیل شده که در تمام مراحل زندگی شیعیان حضور دارد و آن را معنادار می‌کند.

این کتاب شامل هشت فصل است: در فصل اول، پژوهشگر هدف از انجام دادن پژوهش را بیان می‌کند و اینکه خواهان بحث درباره‌ی معنای مناسکی شدن در زندگی و تجربه‌های زیسته‌ی شیعیان در ایران امروز است. کتاب با توصیف مبتنی بر نگاه غربی نویسنده درباره‌ی تشیع در ایران معاصر و تحولاتی که از لحاظ دینی و سیاسی از انقلاب اسلامی تا آغاز مطالعه روی داده است، آغاز می‌شود. سپس نویسنده وضعیت ایران آن زمان را از زاویه دید خودش توصیف می‌کند. در ادامه، او گروه مورد مطالعه خود یا منابع اطلاعاتی (اطلاع‌رسان‌ها) را، که پنج مرد شیعه در اصفهان هستند، معرفی می‌کند. وی وضعیت زندگی منابع اطلاعاتی را شرح می‌دهد؛ همچنین دلیل انتخاب این پنج نفر خاص را نیز بیان می‌کند. این افراد همان مصاحبه‌شوندگان و محور اصلی مطالعه هستند. پس از آن پژوهشگر درباره‌ی دلایل انتخاب اصفهان به عنوان شهر مورد مطالعه و دلیل انتخاب آن مسجد خاص به عنوان میدان اصلی پژوهش و اجتماع مورد تمرکزش توضیحاتی ارائه می‌دهد.

در ادامه، نویسنده موقعیت خودش را به طور کلی در جامعه شیعی ایران و به طور خاص در اجتماع مورد تمرکزش، یعنی مسجد شرح می‌دهد. نویسنده نظر خود درباره‌ی افراد آن اجتماع و نیز نظر اولیه‌ی اعضای آن اجتماع به خودش و نیز روش‌ها و تمهیدات استفاده شده برای نزدیکی به آن جماعت و کم‌رنگ کردن مرزها را توضیح می‌دهد. همچنین محقق از زندگی خودش برای خواننده مطالبی بازگو می‌کند و درباره‌ی اوضاع دینی و اجتماعی جامعه‌ای که در آن رشد یافته صحبت می‌کند. او که خود مسیحی است، شیوه تعاملش با شیعیان را شرح می‌دهد.

پس از آن، پژوهشگر اهداف پژوهش خود را بیان می‌کند. وی اهداف اصلی این پروژه را یافتن منظور و معنای مناسکی شدن در زندگی و تجارب شیعیان و به طور خاص منابع اطلاعاتی‌اش می‌داند. او خواهان پاسخ به این پرسش است که اعمال و مناسک گروه مورد مطالعه‌اش چه معانی تجربه شده یا بدنمند شده‌ای برای آنان دارد؛ هرچند در پایان، محقق ادعا نمی‌کند که توانسته به طور کامل و جامع به این پرسش پاسخ دهد. وی یافتن پاسخی کامل و مشخص به این پرسش را ناممکن می‌داند و در عوض، نظرها و ایده‌های گوناگون راجع به این مسئله را بررسی کرده و از این طریق کوشیده تا دریابد که چگونه ممکن است ابعاد مختلف زندگی شیعیان و، به طور خاص منابع اطلاعاتی حاضر در مطالعه، در ذهن آنان به حالت مناسکی شده در نظر گرفته شود. محقق در ادامه پیشینه مطالعات انجام شده در زمینه ایران‌شناسی، فرهنگ، دین‌داری، تشیع و انقلاب اسلامی در ایران را شرح می‌دهد. در این قسمت، دیوید تورفیل تعدادی از آثار پژوهشگران ایرانی و خارجی را که در موضوع دین و فرهنگ در ایران است به طور مختصر نقد و بررسی می‌کند و نوآوری‌های پژوهش خود را عنوان می‌کند.

در فصل دوم، از دید نویسنده به عنوان یک ایران‌شناس غربی، صحنه‌ای هرچند غیردقیق ترسیم می‌شود که شیعیان ایران امروز در آن حضور دارند. نویسنده صحنه کلان را به مثابه کل و جامعه‌ای با شرایط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و دینی منحصر به خود در نظر می‌گیرد. او خلاصه‌ای از وضعیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و دین‌ورزی شیعیان در ایران پس از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را بیان می‌کند. در اینجا منابع اطلاعاتی به عنوان یک ایرانی، عضوی از این کل هستند و به اجبار برای توصیف وضعیت اطلاع‌رسان‌ها یا منابع اطلاعاتی، در ابتدا نویسنده باید صحنه کلان که همان کشور و جامعه‌ای است که این افراد در آن زندگی می‌کنند، توصیف کند. پس از آن، نویسنده به دقت منابع اطلاعاتی را بررسی کرده و اجتماع آنان را توصیف می‌کند. پژوهشگر صحنه خرد را به منزله اجتماعی در نظر می‌گیرد که منابع اطلاعاتی‌اش در آن زیست می‌کنند. در اینجا با افراد و مسجد و موقعیت‌هایی روبه‌رو هستیم که نقشی

اساسی در زندگی و دیدگاه‌های منابع اطلاعاتی دارند. نویسنده مسجدی را که منابع اطلاعاتی در آن حضور دارند و نیز معماری، ویژگی‌های جغرافیایی و بافت شهری را که مسجد در آن قرار دارد توصیف می‌کند. او پیشینه آن مسجد را در دو دوره خاص بازگو می‌کند: قبل از انقلاب اسلامی به عنوان پایگاهی برای مبارزات انقلابی و بعد از انقلاب اسلامی به منزله سنگری برای حفظ نظام اسلامی. وضعیت خیابان‌های اطراف مسجد، وضعیت زندگی همسایگان، بالاشهر یا پایین‌شهر بودن مکان مسجد و ویژگی‌هایی از این دست بررسی می‌شود. وی جماعت عبادت‌کننده را برحسب نوع و میزان حضور در مسجد دسته‌بندی می‌کند. سپس نقش و پایگاه اجتماعی کنشگران و به خصوص منابع اطلاعاتی در آن جماعت مذهبی را شرح می‌دهد. از دید نویسنده، اجتماعی که پیرامون این مسجد وجود دارد عمدتاً متشکل از بازاریان و طلاب است که در بخش سنتی شهر زندگی می‌کنند و حول محور شخصیت فرهمند که یک آیت‌الله است می‌چرخند.

در ادامه، محقق در باب فعالیت‌های اصلی مسجد صحبت می‌کند که به عنوان عناصری در نظر گرفته می‌شوند که منابع اطلاعاتی را گرد هم جمع می‌کنند و انسجامی اجتماعی و حتی سیاسی در راستای آرمان‌های آنان ایجاد می‌کنند. این مناسک و فعالیت‌ها عمدتاً شامل نماز و اموری است که منابع اطلاعاتی بعد از آن انجام می‌دهند؛ اموری مانند شعاردادن برای حمایت از نظام اسلامی. همچنین مراسم دعا، مجالس روضه، مرثیه‌خوانی‌ها، سخنرانی‌های مذهبی، جلسه‌های قرائت قرآن، کلاس‌های آموزشی، توزیع نذورات از دیگر فعالیت‌های انجام‌گرفته در مسجد است.

پس از آن، پژوهشگر افرادی را توصیف می‌کند که مسجد را اداره می‌کنند. همچنین هیئت‌امنا و نیروی بسیج و نحوه تعامل آنان در اداره مسجد بررسی می‌شود. نویسنده در ادامه مواضع سیاسی افرادی که در مساجد حضور می‌یابند و تفاوت‌های مساجد با مصلاهای نماز جمعه را از بُعد سیاسی بررسی می‌کند. در پایان این فصل نیز عناصر و روش‌های گردآوری اطلاعات در این پژوهش را شرح می‌دهد.

در فصل سوم، نشان داده می‌شود که منابع اطلاعاتی چگونه پیام تقوایی که

علمای مسجد به مردم انتقال می دهند، تفسیر می کنند و آن را در زندگی خود به کار می گیرند. در اینجا، به این نکته توجه می شود که منابع اطلاعاتی یا اطلاع رسان ها در بحث هایشان درباره آرمان های اسلامی چگونه استدلال می کنند و این مسئله تا چه میزان و چگونه زندگی روزمره آنان را تحت تأثیر قرار می دهد. نویسنده با پرداختن به این موضوع خواهان آن است که معنای زیست شیعی را در میان شیعیان ایران امروز و به طور خاص، منابع اطلاعاتی اش نشان دهد. در اینجا، منظور از زیست اسلامی و شیعی، عمل به مناسک و پیروی از احکام و قوانین اسلامی و پیروی از اسلام به مثابه الگویی برای هدایت اندیشه ها و احساسات و به کار بستن آن ها در زندگی روزمره است.

در این فصل، نویسنده در ابتدا نوعی زمینه نظری را ارائه می کند که در تحلیلش، آن را نقطه حرکت در نظر می گیرد. در اینجا بحث بدن و بدنمندی و پیشینه نظری آن بررسی می شود. محقق با بررسی مکاتب مختلف و نظرات آن ها در باب بدن و آرای اندیشمندان بزرگ درباره بدنمندی، مطالعات مرتبط با بدن و بدنمندی را مرور می کند. پژوهشگر عمدتاً می خواهد بگوید که بدنمندی مهم ترین عاملی است که به عنوان راهی برای بررسی و تفسیر رفتارهای دینی و تجارب دین داران به کار می رود. در ادامه، نویسنده زندگی چند نفر از منابع اطلاعاتی اش را توصیف می کند و چگونگی تثویز کردن اسلام را در زندگی آنان بررسی می کند. در این جا نشان داده می شود که اسلام چگونه توسط منابع اطلاعاتی تجربه شده و به عنوان روش زندگی به آن عمل می شود و زندگی دینی چگونه زیست می شود.

محقق، اعمال و مناسک اسلامی و شیعی منابع اطلاعاتی را به بحث درباره فرهنگ و بدن ارتباط می دهد. در این قسمت جان کلام نویسنده این است که بر اساس درک منابع اطلاعاتی، مسلمان بودن، بدنمندی و وضعیتی ایدئال از تقواست که رهبران دینی جامعه آن را ترویج می کنند. از دید نویسنده به عنوان یک خارجی غیرمسلمان، اسلام عملی از ایدئولوژی سرچشمه می گیرد و نیز تجارب بدنی خود دین داران هم در آن نقش مهمی ایفا می کند. بر این اساس، همان طور که خود منابع اطلاعاتی این پژوهش

آن را تجربه می‌کنند، اسلام برای آنان مجموعه‌ای متشکل از شیوه‌های صحیح زندگی است که همراه با تجربه‌های فیزیکی در بدنشان شکل می‌گیرد و به صورت فرهنگی قابل انتقال است. شیوه زندگی اسلامی منابع اطلاعاتی هم از تجربه شخصی خودشان و هم از آموزه‌های خطابه‌ها و مرثیه‌خوانی‌ها نشئت گرفته است. در این کتاب، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که مسلمان و شیعه بودن نه تنها مبتنی بر آموزه‌ها، باورهای دینی، جهان‌بینی و تبلیغات اسلامی است، بلکه به معنای واقعی کلمه، تجربه‌ای بدنی است و بدنمندی به عنوان خودسازی آگاهانه برای تقویت تقوا نیز در نظر گرفته می‌شود. او این‌طور استدلال می‌کند که منابع اطلاعاتی نقش فعال و خودآگاهانه‌ای در شکل‌گیری شخصیت خودشان بازی می‌کنند. بنابراین، فرایند بدنمندی تقوا نباید تنها فرایندی منطبق با جامعه‌پذیری تلقی شود، بلکه می‌توان آن را مبارزه‌ای آگاهانه و هدفمند در وجود دین‌داران برای تغییر خودشان و دین‌دارترشدن در نظر گرفت.

در فصل چهارم، شرح داده می‌شود که چگونه اطلاع‌رسان‌ها یا منابع اطلاعاتی مناسک سوگ و اندوه را توصیف می‌کنند و نویسنده ایده‌هایی را برای تفسیر آن مناسک پیشنهاد می‌دهد. این فصل با برخی از نکات درخصوص نظریه‌های عواطف در دین‌داری و مناسک، به منظور ارائه پیشینه تحقیق برای موضع‌گیری و تجزیه و تحلیل آغاز می‌شود. در این قسمت نظریات مکاتب مختلف و همچنین دیدگاه اندیشمندان صاحب نظر درباره بدنمندی و عواطف در مناسک بررسی می‌شود. برای تکمیل این بحث مطرح می‌شود که آیا عواطفی که بشر تجربه می‌کند، باید جهان‌شمول و پدیده‌ای تغییرناپذیر در نظر گرفته شود که مستقل از فرهنگ است یا تجربه‌هایی تلقی شود که از نظر اجتماعی تفسیر شده‌اند و بنابراین با محیط فرهنگی خاص فرد در ارتباط هستند. سپس محقق درخصوص معنا و کارکرد عواطف بحث می‌کند. او اشک ریختن و غم و اندوه در مناسک سوگواری را از دیدگاه دین‌پژوهان مشهور بررسی می‌کند. دیوید تورفیل نظر خودش درباره عواطف و رابطه‌اش با مناسک را نیز بیان می‌کند. ارائه نوع نگرش منابع اطلاعاتی به عواطف و اعمال مناسکی آنان نیز در این فصل توضیح داده

شده است. وی همچنین در خصوص این موضوع بحث کرده است که آنان چطور مناسک را به شکلی فرمول بندی می کنند که برای استفاده در زندگی روزمره نیز مناسب باشد. همچنین، توضیح داده می شود که چطور تجربه های عاطفی ناشی از مناسک، در بافتی مشخص و از طریق فرایندهایی خاص، منابع اطلاعاتی را به جای افراد منفعل انعطاف پذیر به عاملانی فعال تبدیل می کند.

در فصل پنجم، بیان می شود که چگونه اعمال مناسکی افراد جامعه در خلق حجیت برای مراجع حجیت بخش دینی مشارکت دارد. نویسنده حجیت بخشی را فرایند اجتماعی مستمری می داند که از طریق آن، اجتماع نوسازی می شود و مشروع جلوه می کند. حجیت بخشی فرایندی است که از طریق تأثیر گفتار و حرکات بدنی کنشگران شکل می گیرد و باعث احترام و اعطای تکریم و حجیت به افراد و زمان ها و مکان هایی می شود که در جامعه از اهمیت نمادین بسیاری برخوردارند.

در اینجا حجیت کامل داشتن، شکلی از قدرت تعریف می شود که فرد دارای حجیت برای حفظ جایگاهش در بالای سلسله مراتب به اقناع و اجبار نیاز ندارد، اما در صورت نیاز به بازسازی حجیت، با حجیت بخشی به مثابه یک فرایند اجتماعی روبه رو می شویم که از طریق آن، حجیت ایجاد یا بازسازی می شود. نویسنده بر این باور است که همه فعالیت های مناسکی در جامعه به طور کلان و در اجتماع مسجد به صورت خرد، به ویژه حضور در سخنرانی ها و مرثیه خوانی ها، در این حجیت بخشی مشارکت دارند؛ زیرا در این مراسم به صراحت، از شرکت کنندگان خواسته می شود که به مراجع دینی احترام بگذارند و از آنان پیروی کنند. مراجع مردم را به آشنایی بیشتر با سلوک اهل بیت ترغیب می کنند و حس پیوستگی مرجعیت میان علمای حاضر و اهل بیت را در افراد برمی انگیزند و باعث می شوند که مردم، مناسک را در چارچوب مرجعیت حال حاضر انجام دهند. همچنین محقق فرایندهای مناسکی شدن و جامعه پذیری را نیز یکی از شیوه های حجیت بخشی و استمرار مرجعیت برای گروه های مرجع دینی در نظر می گیرد. در این فصل آرای برخی از اندیشمندان در باب مفهوم قدرت و حجیت نیز بررسی می شود.

در فصل ششم، محقق توضیح می‌دهد که منابع اطلاعاتی یا اطلاع‌رسان‌ها به هیچ‌وجه دربارهٔ مراجع حجیت بخش دینی، که به‌طور دائم در زندگی روزمرهٔ خودشان در مسجد به مثابهٔ اجتماعشان و در فضای عمومی به مثابهٔ جامعه‌شان با آنان مواجه هستند، ایده‌های یکسانی ندارند. باین‌حال، در مشاهدات و مصاحبه‌های نویسنده که با منابع اطلاعاتی ترتیب داده شده، بارها از مراجع دینی یاد شده است و اگر کسی بخواهد موضوعات دینی را در جمهوری اسلامی ایران بررسی کند، اندیشه‌ها دربارهٔ سلسله‌مراتب قدرت و ساختار مرجعیت به‌طور اجتناب‌ناپذیری ملموس خواهد بود. او در مصاحبه‌هایی که با منابع اطلاعاتی خود انجام می‌دهد متوجه تنوع آرا دربارهٔ مرجعیت دینی می‌شود: برخی مراجع دینی را می‌ستایند و دیگران آنان را نکوهش می‌کنند.

داستان زندگی منابع اطلاعاتی به‌وضوح نشان می‌دهد که فرایند حجیت بخشی برحسب شرایط مختلف روان‌شناختی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی افراد می‌تواند تغییراتی داشته باشد. به نظر می‌رسد در جامعه‌ای به‌ظاهر همگن، نگرش به مرجعیت می‌تواند بسیار متنوع باشد. ممکن است نگرش فرد در طول زمان تغییر کند و می‌تواند تقریباً هم‌زمان چند نگرش متناقض داشته باشد. دیدگاه‌های تغییر یافتهٔ منابع اطلاعاتی در خصوص مرجعیت، پویایی فرایند حجیت بخشی و جابه‌جایی گروه‌های مرجع را در بستر زمان و براساس تغییرات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و حتی اوضاع زندگی خصوصی کنشگران نشان می‌دهد. تغییر نگرش جامعه روشن می‌کند که گروه‌های مرجع و حجیت‌بخش نمی‌توانند به‌صورت ایستا درک شوند؛ اما لازم است به‌عنوان فرایندی به آن‌ها نگریست که در آن ایده‌های افراد، همانند صور فلکی، پیوسته به‌طور گروهی تغییر می‌کند. در اینجا عنوان می‌شود که فرایند حجیت بخشی هرچند فرایندی پُرجنب‌وجوش و پویاست، اما برای همهٔ افراد دائمی نیست و در عوض به‌نظر می‌رسد استقلال افراد به‌عنوان عاملان فعال در جامعه، گاهی اوقات ممکن است فرایندی معکوس را به وجود بیاورد که می‌توانیم آن را فرایند حجیت‌زدایی بنامیم. در این فرایند، افراد به‌طور کامل تحت سلطهٔ محیط اجتماعی خود قرار نمی‌گیرند.

در فصل هفتم، محقق محتوا و پیام‌های موجود در سخنرانی‌ها و مرثیه‌ها را بررسی و توصیف می‌کند. هدف اصلی او به دست آوردن پیام‌های اخلاقی، الهیاتی، ایدئولوژیکی و تاریخی سخنرانی‌هاست که منابع اطلاعاتی در زمان شرکت در فعالیت‌های مناسکی نهادینه شده در مسجد به آن گوش می‌دهند. اعتقادات و اعمال منابع اطلاعاتی مهم‌ترین بخش این فصل را تشکیل می‌دهد. در این فصل، نوع خاصی از مشارکت منابع اطلاعاتی در مناسک نشان داده می‌شود که آن را از مراجع رسمی دریافت کرده‌اند. لازم است گفته شود که بررسی دقیق جنبه‌های سبک‌شناسی و فن بلاغی یا وعظی و تکنیک‌های بیان موعظه شیعی در محدوده این مطالعه قرار نمی‌گیرد. در نهایت می‌توان گفت که در اجتماع مورد مطالعه محقق، مسلمان بودن، عبارت است از باتقوا بودن و زندگی مبتنی بر اسلام. در اینجا مجدداً با مفاهیم بدن و بدنمندی تقوا مواجه‌ایم، یعنی برای باتقوا بودن منابع اطلاعاتی، علاوه بر عبادات و اعمال مناسکی آنان، سایر امور مانند حضور فیزیکی و مشارکت فعالانه در روضه‌ها، سخنرانی‌ها و شرکت در فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی در راستای حمایت از حکومت اسلامی، تمهیدات بدنی برای جلوگیری از گناه، تئوریزه کردن اسلام در زندگی روزمره و به طور کلی تجربه اسلام با تمام وجود، دخیل هستند.

در فصل هشتم و به عبارتی فصل آخر، انواع نکات روش‌شناختی که این تحقیق مبتنی بر آن‌هاست و برخی بازنگری‌هایی که نویسنده در روش‌شناسی تحقیق خود انجام داده بررسی می‌شود. همچنین به محدودیت‌های این پژوهش و مشکلاتی که از جنبه‌های گوناگون گریبان‌گیر این تحقیق بوده اشاره می‌شود. در این فصل، نظریه‌ها و آرای اندیشمندان در باب مناسک نیز بررسی می‌شود و دیوید تورفیل مناسک را از جنبه‌های گوناگون کنکاش می‌کند. نویسنده نظریه خود در باب مناسک، معانی آن‌ها و ابعاد مختلف مناسک را نیز مطرح می‌کند. در انتها نیز محقق نتایج پژوهش خود را بیان و جمع‌بندی می‌کند.

دیوید تورفیل، دانشیار دین‌پژوهی دانشگاه سودرتورن استکهلم سفرهای زیادی به



ایران داشته و حتی سال‌ها در ایران زندگی و تحصیل کرده است. وی طی حضورش در ایران در برخی از همایش‌ها و نشست‌های علمی در تهران، قم و دیگر شهرها سخنرانی کرده است و در سوئد نیز مستمر با سفارت و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط است و از وی برای تدریس دوره‌های شیعه‌شناسی دعوت می‌شود.

لازم است یادآوری شود ترجمهٔ این اثر به معنای تأیید و پذیرش کامل محتوای آن نیست و ممکن است ارزیابی یا قضاوت نویسنده یک‌سونگرانه و کمتر برآمده از روح و فضای دینی و سیاسی و عاطفی میدان پژوهش باشد. مترجم صرفاً برای امانت‌داری، متن را همان‌گونه که بوده ترجمه کرده است. ترجمهٔ این کتاب فارغ از نقدهای محتوایی که در جای خود در محافل علمی بررسی خواهد شد، می‌تواند منبع مناسبی برای روش‌شناسی مطالعات کیفی و مردم‌نگاری در انسان‌شناسی تشیع باشد. خوانندگان عزیز بر ما منت می‌نهند و لغزش‌ها و خطاهای این اثر را گوشزد خواهند کرد. بر خود لازم می‌دانم از تمام کسانی که در مراحل مختلف ترجمه و آماده‌سازی این کتاب تأثیرگذار بودند، قدردانی کنم. از مجموعهٔ دانشگاه ادیان و مذاهب تشکر می‌کنم که حضور در آن دانشگاه نقطهٔ عطفی در زندگی علمی من بود. از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر الله‌کرم کرمی‌پور سپاسگزارم که در حین آماده‌سازی پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد دین‌شناسی من در «دانشگاه ادیان و مذاهب»، که این ترجمه بخشی از آن پروژه است، راهنمایی‌های خویش را از من دریغ نکردند و قبل از انتشار نیز با ویراستاری علمی ترجمه به آن غنا بخشیدند. مداوم به ایشان مراجعه می‌کردم و دلسوزانه در همهٔ زمینه‌های مرتبط با ترجمهٔ کتاب اعم از مفاهیم، واژگان تخصصی، حساسیت‌های کتاب و حتی مباحث خارج از کتاب اما مرتبط با موضوع، ایده‌های نابی به من می‌دادند. از استاد عزیزم جناب آقای دکتر علی شهبازی نیز سپاسگزارم. ایشان با ارائهٔ نظرات خود، ریزبینی‌ها و راهنمایی‌های دقیق در خصوص ترجمه و شفاف‌سازی ابهامات متن، در بهتر شدن این کار تأثیرگذار بودند. همچنین از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر باقر طالبی دارابی صمیمانه بابت راهنمایی‌های علمی همراه با دلسوزی‌های

پدرانه سپاسگزارم. ایشان با اشراف دقیق بر متن انگلیسی و واژگان تخصصی و اصلاح ترجمه، راهنمایی‌های بسیار مهمی در خصوص مفاهیم کتاب داشتند. از آقای دکتر وحید سهرابی فر نیز بسیار سپاسگزارم که ترجمه را خواندند و نظرات ارزشمندی را متذکر شدند. از آقایان دکتر سیدعلیرضا صالحی ساداتی، مسعود دیانی و سیدمحمدحسین صالحی ساداتی نیز سپاسگزارم که از هم‌فکری هایشان بهره بردم. از سرکار خانم سارا قدیمی، ویراستار و سرکار خانم راضیه حقیقت، سرویراستار کتاب نیز بابت صبوری و دقتشان سپاسگزارم. قدردان زحمات آقای محسن حسام مظاهری نیز هستم که در تمام مراحل، راهنمایی‌های مفیدی به من ارائه دادند و همین‌طور زمینه‌ساز چاپ کتاب در نشر آرما بودند. بدون کمک‌ها و همدلی‌های ایشان، کار به انجام نمی‌رسید. و در پایان بسیار مفتخرم که استاد دیوید تورفیل اعتماد کردند و به من اجازه دادند تا با ترجمه کتاب ارزشمندشان، این اثر را در اختیار فارسی‌زبانان، به خصوص علاقه‌مندان به دین پژوهی قرار دهم. همچنین قدردان ایشانم که منت گذاشتند و مقدمه خود را بر ترجمه فارسی کتاب نوشتند.

سیدشهاب‌الدین عودی

بهار ۱۳۹۷